

پلخمون

(قیمت: قبلا حساب شده:)

شمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا | شماره ۶
شماره روزنامه ۴۱۴۹ | شنبه/۲۵ بهمن ۱۳۹۲

سوختن بیمارستان گاندی هم
بر عزم مسئولان برای ایمن سازی
ساختمان های شهر تأثیری نداشت

نام نایمن ها
همچنان محرمانه
(شهرآرا)

ع...
اتفاقا به ما هم
همین رو گفتن!

نگران نباش
با یک عمل سربازی
قوب می کنی!

کارتون: محمد علی رنجی

انگیزه های
افزایش نرخ دلار

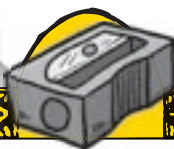
کپی/ک
۸ صفحه

گیر کق/ صفحه ۴

افشای اسرار انتخاب
سر مربی پرسپولیس

پیشنه ایچور بره ۱۵ / صفحه ۲

برویم در افق
محو شویم!



سور سوریه

فارغ از اینکه امروز با ژاپن بازی داریم و نتیجه‌ی چی می‌شه، یادمون نره که ما مُردیم تا بردیم. یعنی حتی باخت مقابل چین نه تنها چیزی از ارزشمون کم نمی‌کنه. تازه خدا رو هم شاکریم که سوری‌ها اجازه دادن ما به همین مرحله برسیم که بتونیم با این چشم‌بادو میا بازی کنیم. جداز اینکه خودمون از نحوه بازی مقابل سوریه با اون نتیجه شوکه شده بودیم، حتی جاپنیا هم داشتن رُکب می‌خوردن. یعنی کلی نشستست بودن ما رو آنالیز کرده بودن، وسطای بازی مونده بودن چی کارکنن! همه برنامه هاشون رفته بود رو هوا. حتی جاپنیا هم داشتن برای برد ما دعا می‌کردن. خدا خیرشون بده الهی. به جز امروز، بقیه لحظات زندگی شاد باشن. خلاصه داشتم می‌گفتم: ما همیشه طوری بازی می‌کنیم که حریف نمی‌تونه حرکت بعدی مون رو حدس بزنه؛ در این حد که هرکی نمی‌دونست ما اون شب با سوریه بازی داریم، اگه به صورت اتفاقی از جلو تلویزیون رد می‌شد. فکر می‌کرد بازی سال ۲۰۱۸ ایران و پرتغال که این قدر با هیجان و در سطح بالا و خیلی محتاطانه داره انجام می‌شه. در حدی بود که ما بعدش می‌خواستیم سور بدیم و درحالی که داشتیم به پهنای صورت اشک می‌ریختم، سخنان گهربار خیابانی رو هم گوش می‌دادیم. ولی خب این تیمی که ۱۲۰ دقیقه وقتمون رو گرفت، همین سوریه خودمون بود. حالا بماند که اصلا اون شب دروازه بان‌شون از ایگرکاسیاس هم بهتر بازی می‌کرد یا سردار ما معلوم نبود واسه کی بازی می‌کرد. ولی خب اینارو گفتم که برای امروز آماده باشین دیگه. ما همین که تونستیم سوریه رو حذف کنیم و از اون مرحله کذاایی که هر دوره همون جا حذف می‌شدیم، رد بشیم، یعنی کار شاقی انجام دادیم و همین برامون بسه. دیگه با ژاپن توقعی نداشته باشین. ژاپنیا دقیقاً مثل تخمه هاشون هستن: قوی و قدرتمند. به این سادگی نمی‌شکنن. نبین چه ریزه، پاش بیفته بشکن ببین چه تیزه! البته شاید هم این ترنند قلعه نویی بوده تا جاپنیا خیالشون از بابت برد ما راحت بشه و دیگه بی خیال تاکنیک و تکنیک و این طور چیزا بشن و بیهو ما خود واگعی مون رو اونجا نشون بدیم و اینا باز رُکب بخورن. خدای دونه، ولی هرچی هست، هرکار می‌خواین بکنین، هر اتفاقی که افتاد، لطف کنین چشمی رو دیگه توی ترکیب نذارین، مرسی.



صفحه ۲
۱۴ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۶

مازۇلۇق

ارژنگ حاتمی



برویم در افق محو شویم!



متأسفانه برخی خبرگزاری‌ها همواره نیمه خالی لیوان را نگاه می‌کنند. به عنوان مثال، طرف حساب و کتاب کرده است که اگر یک نفر ۱۵۸ سال حقوقش را پس انداز کند، می‌تواند در تهران خانه بخرد.

اولاً که حساب و کتاب ایشان از ابتدا اشتباه است. زیرا هر سال حقوق هاده بیست درصدی افزایش پیدا می‌کند؛ در نتیجه طرف خیلی زودتر از این حرف‌ها، مثلاً بعد از صد سال می‌تواند خانه داشته... ببخشید، الان از پشت صحنه اشاره‌گر ننکده اگر حقوق ده بیست درصد سالیانه افزایش می‌کند، از آن طرف قیمت مسکن هم سالی سی چهل پنجاه درصد بالا می‌رود... به نظرم بهتر است بی خیال این قضیه شویم. شما اگر غرضی ندارید، اصلاً چرا از این زاویه نگاه نمی‌کنید که قیمت مسکن در تهران سه برابر پاریس و نیویورک و سیدنی است و این یعنی یک نفر وقتی خانه‌ای در تهران دارد، یعنی خیلی مایه دارتر از مردم شهرهای خارجی است؟ ثانیاً چه کسی گفته باید ده‌هه خانه دار باشند؟ از قدیم هم گفته‌اند: «اچاره نشین خوش نشینه». اگر همه خانه داشته باشند، دیگر چه کسی خانه‌اش را به دیگری کرایه دهد؟ به این ترتیب شغل صاحب خانه بودن و مستأجر داشتن کلاً از بین می‌رود. بعدش شما می‌آیید جواب سفره خالی صاحب خانه‌ها را بدهید؟ در همین راستا به نظر می‌رسد حالا که نمی‌توانیم همه را خانه دار کنیم، بهتر است کار «فرهنگی انجام دهیم و مردم را با مزایای مستأجر بودن آشنا کنیم. به عنوان مثال بگویم: «هزینه تعمیرات و نگهداری ساختمان برعهده مستأجر نیست و از پرداخت مالیات و عوارض نیز معاف هستند...». حالا این وسط شاید کمی سخت باشد که طرف نصف حقوقش را کرایه خانه بدهد که آن هم راهکاری منطقی و ایضا ریشه‌ای دارد. اگر این مشکل پیش آمد، می‌توانیم فرت و فرت در شبکه‌های تلویزیونی زیرنویس بزنیم که: «صاحب خانه مشتی باش، جان عزیزت کرایه را زیاد نکن!» مطمئناً این روش جواب می‌دهد و همه می‌توانیم دور هم به خوبی و خوشی زندگی کنیم.

راستی! تا یادم نرفته است، بگویم به تازگی در تهران خانه‌هایی که ادعا می‌شود ضد زلزله است، متری یک میلیارد فروخته می‌شوند. یعنی یک خانه هشتاد متری ۸۰ میلیارد تومان! اگر اجازه بدهید، بروم در افق محو شوم!

کُتُو خُ

منصورہ احمدی

اختتامیه جشنواره اسباب بازی



من دیگه نمی‌کشم عمو، از اینجا به بعد
رو بعدا برام تعریف... خُررررررررررر

۲ ای بابا، وقت گیر آوردی؟
پاشو الان موقع سخنرانی
منه، عکس می گیرن سوژه
می شه.

نشست خبری وزرای امور خارجه ایران و پاکستان



۲ شما متوجه شدى
چي مي گن؟

والا.

ایزایت مین کی؟ ایزایت مین کی
رستوران؟ صد دفعہ تکفتم اینارو
عواب گذاری کن، فتحہ کسرہ بذار، بعد
بدہ دست مین؟

افتتاحیه چهل و دومین جشنواره بین المللی فیلم فجر

سید احسان خاندوزی، از اینفلوئنسرهای باییش از ۵۰۰ هزار دنبال کننده مالیات دریافت می‌شود.



این هم که برقی نیست. امان از دست شما
جوونو... یسر پیر از سر کوچه چندتا باتری
قوه پارس از اون چاقا بگیر یار، سه سوت
براتون برقی بشکنم.



زنگ بزن احسان، بگو دو دقیقه
اون مالیات گیرش رو قطع کنه.
چارتا از این اینفلوئنسر، سلبریتا
بریزیم جشنواره رو پوشش بدن
خبر سرمون.

رونمايى از ايدۀ برتر براى احياي کشف رود

آفتاب: ثبات هشت ماهه نرخ دلار آرامش قبل از طوفان بود. **خامنه‌ي:** چرا توى اقتصاد ايران هميشه ثبات با جهش و آرامش با طوفان همراهه؟!

شهرآرا: فراخوان ايدۀ هاى اجرائى براى احياي کشف رود مشهد **خامنه‌ي:** ايدۀ برتر: جلو تخليه فاضلاب در کشف رود را بگيريد!



جهان نيوز: کاخ سفيد: دنبال جنگ با ايران نيستيم **خامنه‌ي:** دنبالش هستين، جرئتش رو ندارين!

صداوسپما: واکنش بانک مرکزی به افزايش نرخ ارز **خامنه‌ي:** واکنش بانک مرکزی: حبابه!

خامنه‌ي: عوضش توى کتاباى درسى مون سه برابر کل جهان درباره فوايد لبنیات اطلاعات کسب کرديم!

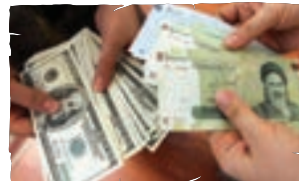
شهرآرا: جمع آوری چهل مدرسه کانکسى در خراسان رضوى **خامنه‌ي:** چون هوا رو به گرمى و بهاره، مدرسه توى چادر صفای ديگه اى داره!

شهرآرا: قطع آب مشترکان پرمصرف مشهد

خامنه‌ي: مشترکان پرمصرف: خواهش مي‌کنيم قبل از قطع کردن يه ندا بدین که ما توى دست شويى نباشيم!

اعتماد: ايران در آستانه تعطيلات دو روز در هفته

خامنه‌ي: اون موقع که پول داشتيم، تعطيلی نداشتيم. الان که تعطيلی داريم، ديگه پول نداريم!



نه ماليات. **خامنه‌ي:** روال هم اينه که اول توضيحات رو کامل مي‌شنويم، بعد قانع نمى شيم، تازه اون وقت ماليات مي‌گيريم!



ايسنا: چگونه دويدن را براى خودمان لذت بخش کنيم؟

خامنه‌ي: فقط كافيه به اين فکر کنيم که بابتش هنوز لازم نيست ماليات بر هر متر مسير پيموده پرداخت کنيم!

فارس: وزير آموزش و پرورش: جايى که امروز به آن رسيده ايم، حيرت آور است. **خامنه‌ي:** اينکه مدارس دو ماه معلم نداشتن، ولى شما همچنان وزير باقى موندى که حيرت آورتره!

پارسينه: مصرف سرانه لبنیات ايرانيان، يك سوم سرانه جهانى!

تابناک: سومين تاكسى برقى ايران خودرو معرفى شد. **خامنه‌ي:** البته چون برقمون از مازوت تا مين مى شه، اين مدل تاكسى از كاميونای دودزا هم بيشتتر شهر رو آلوده مي‌کنه!



شهرآرا: برد خجالت آور ايران از سوريه **خامنه‌ي:** باز يکسان: خجالت آورتر اينه که بلافاصله بعد بازی بهمون حواله خودرو ندادن اصلاً!

مهر: يك نماينده جمهورى خواه، ترامپ را واجد دريافت جايزه صلح نوبل دانست. **خامنه‌ي:** نتانياهو: پس من چى؟!

ايسنا: سازمان امور مالياتى: از ووشوکار شهربانو منصوريان توضيح خواستيم.

صفحه ۲
۱۴ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۶

وزير راه و شهرسازى: تهديدات ناشى از تغيير اقليم را به فرصت تبديل کنيم.

مهرداد پذيراش

سلام مهرداد جون! چطورى؟ چه جورى مى خواي تهديد اى تغيير اقليم رو به فرصت تبديل کنى؟

سلام عيسى جان. تغييرات اقليم اصلا همه ش فرصته. الكى يه عده جومى دن كه خطرناكه.

جون من؟

آره بابا، ببين، مثلاً يه مورد ما مى خواستيم يه راه بزيم روى درياچه اروميه. خب تازمانى كه آب داشت، مجبور بوديم كلى هزينه كنيم و پل بزيم، الان آسفالت ريختيم كف درياچه حال مى كنيم...

چه جالب! تا حالا از اين زاويه بهش نگاه نكرده بودم. ولى خب مهرداد، مردم آب ندارن، مجبورن كوچ كنن. اين بد نيست؟

بيا آقا اين هم فرصت بعدى. همه مردم رواين جورى جمع مى كنيم شمال. اين جورى مشكل راه هاهم حل مى شه و الكى مجبور نيستيم از همه جاى کشور راه بسازيم تا شمال. همه اونجا هستن ديگه. توى وزارت ارتباطات فرصت جديد چى دارى عيسى؟

نمى دونم، بايد بشينم فكر كنم. فعلاً كه اينترنت گرون شده.

به به! آقا چه فرصتى! همين رويه كاهش ارتباط با فضاى مجازى و افزايش روابط خانوادگى ربط بده. من هم برم ظاهرايك جاسا ختمون آتيش گرفته، يه فرصت براى استفاده از نردبونى بلند آتيش نشانى پيدا شده. بعد مى آم.

آقا برو راحت باش فعلاً.

معاون راه و سازى: جمعيت زياد فقر حدود ۲۵ هزار نفر كاهش داشته است

بله، بى ريخته پرهاى طاووس نداره فرق تاكسى با اتوبوس حسابى كم شده جمعيت فقر اينم از درس ما: افعال معكوس!

معاون رئيس جمهور: به فناورى بارور سازى ابره رسد يافتيم

بياور تكه ابرى راز چالوس همان كه هست عروس ما، كومولوس نشانش در كنار سفره عقد بياور در به عقد استراتوس!

هشام مقامات وزارت رفاه: آمريكا در خطر تهاجه احتمالى بيگانگان فرازمينى هستيم

چقدر هستين شما مامانى و لوس! شدم از دستتون من پاك ما يوس براى ما پس از غول تورم نداره ترس و اورانوس

رواج معاون به گله كوسفند باخودرو

بدادم گله، بگرفتم ميني بوس عجب كار عجيبى كردم! افسوس شده پنچر دوتا از چرخ هائيش مى گردم دريه در دنبال ناسوس!

جرايه ورزشي: تا اعلام سومين جواب دربارۀ کوبۀ پرسپوليس، اوسمار در آب نمک بود!

افشای اسرار انتخاب سرمربی پرسپوليس

پس از شل کن سفت کن بسیار، اوسمار ویرابه عنوان جانشين يحیی گل محمدی روی نیمکت قرمز هانشست. او که دستیار يحیی در پرسپوليس بوده، به گفته کارشناسان، بيشترين تجربه مربیگری اش چیدن کله قندی برای تمرين بازیکنان و گفتن «آباريکلا» به آن ها بوده است. وی در اولین بازی این تیم به مصاف تیم شباب الاهلی در امارات رفت و با نتیجه قاطع ۵ بره صاحب اولین باخت مقتدرانه خودش.

همه ش سه چار تا؟

بهروز رهبری فرد، یکی دیگر از پیشکسوتان باشگاه، هم گفت: «آقای درویش، شجاعت داشته باش و بگو به خاطر حرف چار تا بازیکن، اوسمار سرمربی شد». به این بهانه خبرنگار ما با آقای درویش تماس گرفت که یکی از مشاوران وی جواب داد: «اولايشون نيستن و من جواب می دم، ثانياً آقای درویش شجاعت دارن، ولی شما نيستی در حدش که بخوان جوابت رو بدن، ثالثاً چار تا بازیکن نبودن و سه تا بودن...» که در اینجا مکالمه قطع شده و صدایی از دور به گوش رسیده است که: «قطعش کن... گند زدی با این جواب دادنت!»

نومو خواص!

این انتخاب با اعتراض بيشتر هواداران و پیشکسوتان پرسپوليس همراه بوده است. در یک نمونه محمد مایلی کهن گفت: «مبارک باشد! شک نکنید انتخاب اوسمار کار دلال ها بوده است. پرسپوليس صاحب ندارد که اگر داشت، آقای اوسمار نمی شد سرمربی.» شنیده ها حاکی است آقامایلی پس از این باخت با بغض گفته است: «من این فوتبال رو نمی خوام... اون یکی فوتبال رو می خوام... همون که توش خودم صاحب پرسپوليس بودم...»

اوس معمار یا برانگار؟

از سوی دیگر رضا درویش، مدیرعامل پرسپوليس، درباره این انتخاب گفت: «در فرصت اندک باقی مانده، نمی توانستيم انتخاب دیگری جز اوسمار داشته باشيم.» هر چند کارشناسان معتقدند که در این چند هفته که از رفتن گل محمدی گذشته بود، می شد با الکس فرگوسن، تد لاسو و حتی مرحوم بکن باوئر هم مذاکره کرد. با این حال، عده ای معتقدند دليل این تعلل، نام های سخت مریبان خارجی بوده و ربطی به شروط آن ها و شرایط پرسپوليس نداشته است؛ در حالی که اوسمار هم وزن اوستا و ویرا هم که قبلاً در تیم ملی داشته ایم و بنابراین تلفظ نام این مربی برای مسئولان راحت بوده است. هر چند نام برانکو هم راحت است، اما متأسفانه دستش بند بود و نشد که بشود.

خرس نقره ای هم می رسبه...

و آخرین حاشیه این هفته مربوط می شود به تیتريکی از روزنامه های ورزشی که درباره فیلمی که درویش سر تیم و هوادارها در آورد، نوشت: «اوسمار برای پرسپوليس، اسکار برای درویش». گفته می شود یکی دیگر از روزنامه ها هم قصد داشت این تیتريها را بزنند که متأسفانه کاغذ نداشت و منتشر نشد: «سیمرغ بلورين برای خطير، چلومرغ ربی برای استقلال» و «نون ماست برای قلعه نویی، سس ماس برای تیم ملی».

صفحه ۴
۱۴ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۶

اینجوری نگاه نکنین به خاطر خاصیت درمانی اش توی آب نمک موندم!

اوسمار! بیا ديکه، انتخاب شدی



کارتون: حمید صالحی

صف های مزدوجی

فرهنگ شهروندی
ساحل شاکری

اصولاً ایستادن در صف، یکی از آن چیزهایی است که هر ایرانی از بدو تولد باید یاد بگیرد. زیرا تا آخر عمرش باید در صف های مختلفی بایستد؛ از صف نانوائی و شهر بازی گرفته تا صف مرغ و گوشت و این طور چیزها که خوراکی ها و مواد لازم برای زنده ماندنش است. پس یادگیری برخی نکات ضروری است که در این یادداشت به شما گوشزد خواهیم کرد. چون این صف ها عاقبت و

آخرت را تا حدودی تأمین می کند و حتی در مواردی موجب پیوند و نسل و تشکیل یک خانواده شده است. پس باید اصول اولیه آن را رعایت کنید.

● شاید در نگاه اول بگویید صف ایستادن که دیگر این حرف ها را ندارد. اما بارها دیده شده که فرد به سنين بالا رسیده است، ولی هنوز توانایی ایستادن در صف را ندارد و طبق اصول

غیر اخلاقی، جامی زندیا با شصت سال سن برای دیگران هم جامی گیرد، خجالت هم نمی کشد. چون آدمی از ابتداء در صف مهد کودک یا مدرسه برای دوستش جا می گیرد، فکر می کند وقتی بزرگ شد هم می تواند در صف خرید مرغ پاهایش را به اندازه ایل و تبارش باز کند یا زنبیل بگذارد تا برای آن ها هم جا گرفته باشد و با ورود آن ها به آن قسمت ناگهان صف را طویل تر کند. انگار نه انگار مردم با هر یک نفری که کم می شود،

اندر مزایای یک روز تعطیلی بیشتر



کارتون: محمدعلی رحیمی

می‌گه: شنیدی نماینده های مجلس با اولویت دار شدن کاهش ساعات کاری ادارات از ۴۴ به ۴۰ ساعت و دو روز تعطیلی در هر هفته، موافقت کردن؟

می‌گه: بله، حالا دلیلشون چی بوده؟

می‌گه: گفتن این لایحه برای ارتقای گردشگری، تحکیم خانواده و رسیدگی بیشتر افراد به امور زندگی شونه.

می‌گه: اتفاقا خوبه که. روزای تعطیل بیشتر می شه، مثل خارجیا تعطیلات آخر هفته داریم، بیشتر می تونیم بریم مسافرت و تفریح.

می‌گه: دیگه همه مشکلات سفر رفتن حل شده بود، فقط مونده بود روزای تعطیلت؟

می‌گه: مهم تعطیلاتش بود. پول و وسیله نقلیه و بنزین و لوازم یدکی و هزینه هتل و غذا و بلیت و بقیه چیزاش رو هم خدا بزرگه، می رسونه.

می‌گه: اون که بعله. ولی فکر نکنم این موضوع اون قدر مهم بوده باشه که اولویت دارش کنن.

می‌گه: عه اختیار دارین! الان که همه موضوعات و مشکلات دارن حل می شن و سروسامون می گیریم. دلار که مسئولان قول دادن بکشنش پایین، اشتغال زایی هم که فراتر از وعده های انتخاباتی انجام شده. مسکن هم که فت و فراوون ریخته و کسی نیست بره بشینه، وام ازدواج رو هم که بدون صف می دن، برف و بارون هم که اومد و مشکل آلودگی هوا و خالی بودن سدها و خشکی دریاچه ارومیه رو برطرف کرد.

می‌گه: خوش به حالت که راحتی... چیزه! یعنی

راحت با مشکلات برخورد می کنی.

می‌گه: باید همین طور بود. ببین، دقیقا این یک روز تعطیلی خیلی بیشتر از این حرفا روی تحکیم بنیان خانواده و رسیدگی به امور زندگی تأثیر می ذاره. مثلاً پدر یا مادر خانواده که شاغله، یه روز بیشتر توی خونه می مونه و می تونه با اعضای خانواده بزنه شبکه آی فیلم و تکرار جومونگ و یوزارسیف رو ببینه و لذت ببرن و بیشتر تحکیم بشن. از اون طرف یه روز بیشتر وقت دارن تا برن دنبال شغل دوم و سوم و چندمشون. مثلاً بیشتر اسنپ کارکنن تا امور زندگی شون بیشتر بچرخه یا شاگرد سرخونه بیشتری بگیرن.

می‌گه: تو با این ماله... ببخشید با این ماهیت باید مسئول می شدی. حیفی توی این ستون قلم بزنی.

می‌گه: تازه مراعات کردم و خیلی از مزایای این طرح رونگفتم. مثلاً همین که نماینده ها از عوض کردن ساعت قدیم و جدید دست برداشتن، خودش یه کار بزرگه. یا حتی با تعطیل شدن یک روز بیشتر اداره ها، یک روز کمتر از این اتاق به اون اتاق و از این طبقه به اون طبقه دربه در کارمند می شیم. کیه که قدر بدونه؟!

سوالات تستی

فرانک اشتاین

۱. مهم ترین دلیل اضافه شدن یک روز به تعطیلات آخر هفته چیست؟

- افزایش گردشگری
- تحکیم خانواده
- مظلوم بودن صبح شنبه
- به کارگیری بیشتر آقایان در منزل

۲. کاهش ساعات کاری کارمندان چه کمکی به سیستم اداری کشور می کند؟

- بهبود کارایی کارمندان
- بهبود اخلاق کارمندان
- کمتر دیدن ارباب رجوع
- صرفه جویی در مصرف چای

۳. دلیل اعتقاد مسئولان به ارتقای گردشگری پس از افزودن تعطیلات چیست؟

- سهمیه عالی بنزین
- قیمت مناسب تایلر
- هتل های بسیار ارزان
- تعدد دست شویی بین راهی

صفحه ۵
۱۴ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۶



● چهارم آنکه جان مادران هل ندهید. به همه تان می رسد. البته اگر صف شله باشد، ممکن است نرسد. ولی خب با هل دادن فقط شله ها روی این و آن می ریزد، یا ممکن است قابلمه ها توی سر خودتان بخورد. پس جان هرکس دوست دارید، هل ندهید. هرکسی هم گفت «من هل نمی دم، عقبیا هل می دن» از صف بیندازیدش بیرون. شما نمی دانید چرا انداختید، اما خودش می داند چرا رفته بیرون!

نانوایی شروع شده و سرگرفته است. پس این مورد را از دست ندهید.

● سومین مورد آن است که هرکی رفت، رفته است. اینکه برگردید و بگوئید من چهار ساعت اینجا بوده ام، نداریم. ما خودمان این ترند ها را از حفظیم. پس «دو دقیقه رفتم زیر گاز رو خاموش کنم» و «من همین جا بودم، به لحظه رفتم شوهرم صدا کرد» و «من چهار ساعته اینجا ایستاده بودم» نداریم.

امید به زندگی شان افزایش پیدا می کند و برنامه ریزی می کنند.

● دوم آنکه اگر بعد از یک دقیقه ایستادن در صف، با نفر جلویی یا عقبی آن قدر هم صمیمی نشدید و درباره جدیدترین اتفاقات زندگی اش بازجویی اش نکردید، به جایی برنمی خورد. ولی خب، صحبت کردن درباره آب و هوا و کمی درباره خودتان بد نیست. بالاخره چه ازدواج هایی که از همین صف های

به دلیل بالا رفتن نرخ ریه هشدار کارشناس تلویزیون: ترتیب با حساب خالی هرگز چک نکشید!

صفحه ۶

شریعتمداری: مسئولان دولت درباره افزایش قیمت دلار می گویند: ملک ما به دلار نفتم برو بابا! صفحه ۶	یک حزن: در قیاس با سرعت حرکت بانک مرکزی برای کاهش نرخ رشد نقدینگی احساس می کنم یوسین بولت هستم صفحه ۶	سبزی کاران حاشیه کشف رود هشدار ناآرامی به فضانوردان: قبل از اینکه سفینه تان را استارت بزنید، از ما کاهوی خورید. صفحه ۶
یک معنادار تریاک از سبد مصرف معتادان حذف شیر، دینمی توران به آسمان پر کشید! صفحه ۶	یک استاد: از وقتی فروش مدارک دانشگاهی تلفنی شده، دیلر سی حضوری نمی آید پیش من بلوید من روه ای دین؟ صفحه ۶	خوردن کاهوی فضایی ممکن است کشنده باشد صفحه ۶
	صد او سیما: تا وقتی فدریشن تمام نشده است، به هیچ کس سربازان دل نبندند؛ چون کاهش خدمت در کار نیست مرخصی هم داده نمی شود! صفحه ۶	

پان پانک
محمد جواد قائمی خواه

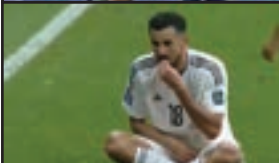
Google

بسیاری از...

بسیاری از قنادان ماهر به کشورهای حاشیه خلیج فارس می روند.
بسیاری از اقوام مسئولان برای استخدام به ادارات دولتی می روند.
بسیاری از مردم با هر نوسان دلار به صف صرافی ها می روند.
بسیاری از بودجه های مملکت به خورد صداوسیما می رود.
بسیاری از نخبگان دانشگاهی به دیگر کشورها می روند.
بسیاری از مردم با پول خرید یک کیلو آجیل به سفر خارجی می روند.
بسیاری از بازیکنان بنجل خارجی به باشگاه پرسپولیس می روند.
بسیاری از مردم ایران به زودی به زیر خط فقر می روند.
بسیاری از مردم جهان برای خرید مدرک تحصیلی به ایران می روند.
بسیاری از ابرهای بارور شده در ایران به گینه بی صاحب می روند.

پیکه
آرش آریایی

در حاشیه دیدار عراق وارد در جام ملت های آسیا

	وقتی خیلی گرسنه ای و همین جوری با دستای کتیف از بیرون می آیی خونه.
	آروم می آیی می شینی سر سفره و به خیالت مامانت نفهمیده دستات رنوستی.
	مامان همون لحظه: برو دستات رو بشور.

صفحه ۶
۱۴ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۶

سیکس یک روول کنین، تورم نقطه ای ۹۸ درصدی گشتای تن من و رفقام رو بچسبین! مژده به ایران و ایرانی! به زودی با تدبیر مسئولان، بدون نیاز به این قرتی بازی، همچین دستتون به من و بقیه اقلام خوراکی نمی رسه که همه تون فیت و قلمی می شین، سیکس پکا تون زارت می زنه بیرون! بیعی	«پو» جان، داداش، تشابه فامیلیه، وگرنه من دامم کجا بود؟ بعدم اون جایخی ای که بخواد با جراحی زیبایی بچسبه رو شکمت، بادوتا پیتزا و سه تا نوشابه به فنا می ره برادر من. ولی خدایی بیست تومن خرج دوبار مکملت که هیچ، خرج سه ماه مرغ و تخم مرغ تم نمی شه خرس. هادی چوپان	هزینه های عجیب و غریب جراحی های زیبایی: سیکس یک ۲۰ میلیون! (خبر آنلاین) ۸۶ رأس گوسفند هم قیمت تارا! دام بفروش، ماشین بخر (تابناک) بفرما، با بیست تومن سیکس یک تحویل می دن هلو! حالا تو برو روزی شونصد ست کرانچ و پلانک بزن تا جونت در آد. الان با بیست تومن چی می دن؟ فو قش بتونی دو رأس بیعی بخری، ببندی به درخت با بع بعش پروتئین بدنت رو تأمین کنی. گفتم بیعی؛ دیدین این پسره چوپان، هم سیکس یک داره، هم ۸۶ رأس یکجا داده به تارای یک میلیار دی گرفته؟ کی داره به بیست تومن دستی بده؟ پاندای کونگ فوکار
---	--	---



صفحه ۷
۱۴ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۶

زندگی یخچالی (قسمت دوم)

آنچه گذشت: من که کارگر یک فروشگاه لوازم خانگی بودم، از ترس مدیر فروشگاه که نمی دانست من شب ها آنجایی خوابم، در یخچالی پنهان شده بودم که آن یخچال را فرستادند برای پیرمردی بداخلاق و کم بینا که مرا داخل یخچال نمی دید. ولی قفل کودک آن را بعد از استفاده فعال می کرد!

ادامه ماجرا: چند روز گذشت و من فرصتی برای فرار پیدا نکردم. با آن سرمایه نظر چیزی تا پایان زندگی ام باقی نمانده بود. باید اعتراف کنم که خودم مقصر این وضعیت بودم. مادرم برای کارگری به خانه پولدارها می رفت و من را هم با خودش می برد. همیشه داوطلب تمیز کردن یخچال می شدم، یخچال هایی که با خوراکی های رنگ و وارنگی که داشت، بیشتر تلویزیون رنگی QLED بود تا مثل خانه ما. کمدا! کسی هم تعداد میوه ها را قبل و بعد از نظافت یخچال نمی شمرد! همیشه آرزو می کردم که ما هم چنین یخچالی داشتیم. ولی نمی دانستم این گونه آرزویم برآورده می شود. داخل یخچالی گیر کرده بودم که نمی دانستم محتویاتش را چه جوری باید خورد! خدایا، این موز است یا بادمجان؟! وقتی آن را خوردم و هسته اش را به زور از گلویم پایین دادم، فهمیدم نه موز بود، نه بادمجان!

البته قبلا فرصتی پیش آمده بود که بتوانم خودم چنین خانه و یخچالی داشته باشم. چون قبل از کارگری در فروشگاه، به مرحله



ایجو، مگفتن مجتبی نغمی راد

جمال حسین زاده، دبیر انجمن صنایع فراورده های گوشتی:
حجم گوشت در سوسیس و کالباس به ۲۵ درصد هم رسیده است و ما برای ارزان تر شدن ناچار به این کار هستیم.
اکو ایران



وزیر صمت:
خودروهای دست دوم وارداتی تا ۲۵ سال بعد هم نمی رسند و ما برای اینکه یک نانی سر سفره خودروسازان داخلی بگذاریم، مجبور به این کار هستیم



وزیر راه و شهرسازی:
اقساط وام مسکن را ۲۵ نفر هم نمی توانند بپردازند، ولی ما برای خالی نبودن عریضه مجبور به این کار هستیم.



رئیس سازمان محیط زیست:
هوای پاک به کمتر از ۲۵ روز در سال رسیده و ما برای تولید برق، مجبور به مازوت سوزی هستیم



وزیر ارتباطات:
سرعت اینترنت به کمتر از ۲۵ بایت در سال هم رسیده است و ما برای توجیه گرانی، ناچار به این کار هستیم.



رئیس سازمان صدا و سیما:
تعداد تکرار سریال ها به ۲۵ بار رسیده است و ما برای پر کردن آنتن مجبور به این کار هستیم.



جرايد: فروش مدارك دانشگاهي تلفني شد.

مدرک فروش

يکي در شهر اردک مي فروشد
يکي هم زالزالک مي فروشد
يکي پاهاش مثل من بلند است
نه اردک، بلکه لک لک مي فروشد
يکي عمده فروش شهر هست و
يکي نه، خرده، تک تک مي فروشد
کچل، شب ها حراج لامپ دارد
ولي در روز، پشيمک مي فروشد
يکي دلال فوتبال است، دارد
ميان ليگ، هافبک مي فروشد
نه از آلمان و برزيل و فرانسه
که تاجيکي و ازبک مي فروشد
خريد خودرو الان نيست مقدور
يکي تنها فقط جک مي فروشد
و البته کنارش گاه سوپاپ
و يا سگدست و سيپک مي فروشد
ز من پرسيد يک کوري، همان که
سر بازار عينک مي فروشد:
«دهان ها را تورم صاف کرده
به او آخر که غلتک مي فروشد؟
در اين قحطی به کشورهای هم مرز
که دارد آبدزدک مي فروشد؟!
چرا دکه به جای روزنامه
فقط سيگار و فندک مي فروشد؟
چرا آن کس که عمری درس خوانده
به مترو، بادبادک مي فروشد؟»
به او گفتم: نمی دانم، ولی او
که خوانده درس و اسنک مي فروشد
بود حقش! چرا آخر نرفته
سراغ آن که مدرک مي فروشد؟

الهی!
ياری مان ده تا اخطارهای مکرر را جدی بگیريم و در آتش
غفلت و بی توجهی نسوزيم و بعد هم مظلوم نمایی نکنيم.

پنجشنبه

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
ساحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سيدميشم موسوی مهر
سرديبر: سيدسجاد طلوع هاشمی
دبير ضمانت: ارزنگ حانمی
دبير پلخمون: مجتبی نخعی راد
پيامک: ۳۰۰۷۲۸۹

دریافت نسخه الكترونيك از: shahraraneews.ir



انگیزه های افزایش نرخ دلار

با توجه به اینکه سخنگوی دولت گفت: «افزایش نرخ
دلار دلایل اقتصادی ندارد»، ما رفتیم تحقیق کردیم و
دلایل احتمالی را کشف کردیم:

